



جنگ و بازیگر بندی هویت ملی: تحلیل جامعه‌شناسی سیاسی جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران

علی مرادی بهمنی^۱

۳۳

چکیده

در خردادماه ۱۴۰۴، تجاوز نظامی مستقیم رژیم صهیونیستی به خاک ایران که به جنگی ۱۲ روزه انجامید، یکی از مهم‌ترین وقایع امنیتی و ژئوپلیتیکی معاصر در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. این رخداد نه تنها بازتاب‌های نظامی و سیاسی گسترده‌ای به همراه داشت، بلکه به گونه‌ای معنادار، بستر بازتعریف و بازیگر بندی هویت ملی ایرانیان را فراهم کرد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه یک بحران نظامی بیرونی، به‌ویژه در قالب تجاوز خارجی، می‌تواند در شرایط اضطراب سیاسی و رسانه‌ای، موجب تحول در گفتمان هویتی یک ملت گردد. در این راستا، هدف تحقیق، شناسایی نحوه بازسازی مؤلفه‌هایی چون انسجام ملی، تصویر دشمن، وطن‌دوستی، مقاومت و گفتمان «ما» در برابر «دیگری متجاوز» در افکار عمومی و بیانیه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف و تحلیل سه سطحی متن، گفتمان و ساختار اجتماعی، به مطالعه داده‌های گردآوری شده از بیانیه‌های رسمی، محتوای رسانه‌های صوتی تصویری، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گفتمان مقاومت و بازنمایی تجاوز اسرائیل در قالب تهدیدی فراگیر، موجب بسیج نمادین بخشی از جامعه و تقویت موقت انسجام ملی شد. با این حال، پایداری این بازیگر بندی، به دلیل گوناگونی‌های هویتی، شکاف‌های اجتماعی و واکنش‌های چندلایه در جامعه، با چالش مواجه بوده است.

کلیدواژه‌ها: بازیگر بندی هویت ملی، تجاوز نظامی اسرائیل، گفتمان مقاومت، انسجام ملی، تحلیل گفتمان انتقادی.

دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳

تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۷

صص: ۱۶۷-۱۹۶

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



مقدمه

در خردادماه ۱۴۰۴ (۲۳ خرداد تا ۳ تیر)، با آغاز حملات مستقیم و هدفمند رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های دفاعی، مراکز فرماندهی و پدافند هوایی ایران، به‌ویژه در مناطق مرکزی و غربی کشور، جنگی ۱۲ روزه شکل گرفت که برای نخستین‌بار، تقابل نظامی میان ایران و اسرائیل را از حالت نیابتی به سطح تقابل مستقیم ارتقا داد. این تجاوز آشکار که با بمباران مراکز حساس نظامی، سامانه‌های راداری و شهادت شماری از فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی همراه بود، نه‌تنها پیامدهای راهبردی در سطح ژئوپلیتیک داشت، بلکه به بازتاب‌های گسترده در ساحت اجتماعی و گفتمانی منجر شد. در این شرایط بحرانی، هویت ملی ایرانیان در معرض بازتعریف قرار گرفت؛ از جمله در قالب بازسازی مفهوم «ما» در برابر «دیگری متجاوز»، تقویت گفتمان مقاومت و وطن‌دوستی و هم‌زمان، فعال شدن شکاف‌های اجتماعی و واکنش‌های متنوع نسبت به این وضعیت اضطراری.

در کنار ابعاد استراتژیک و نظامی، آنچه این جنگ را از منظر علوم اجتماعی حائز اهمیت می‌سازد، بازتاب گسترده آن در حوزه افکار عمومی، رسانه‌ها و بازنمایی‌های جمعی از مفهوم «ایران»، «ملت»، «امنیت» و «دشمن» است. جنگ‌ها، به‌ویژه در عصر ارتباطات شبکه‌ای، صرفاً رویدادهای نظامی نیستند، بلکه بستری برای تولید و بازتولید معانی، نمادها، هویت‌ها و مرزهای اجتماعی هستند. از این‌رو، تحلیل جامعه‌شناسی سیاسی جنگ ۱۲ روزه، تنها با پرداختن به ابعاد سیاسی و ژئوپلیتیکی آن کامل نمی‌شود، بلکه نیازمند واکاوی نحوه تأثیر آن بر بازیگری هویت ملی ایرانیان است.

مسئله اساسی این پژوهش آن است که جنگ‌های مدرن، فراتر از میدان نبرد، در میدان معنا و هویت نیز عمل می‌کنند. آن‌ها از طریق گفتمان‌های رسمی، رسانه‌ای و مردمی، زمینه‌ساز بازتعریف مؤلفه‌های «خود» و «دیگری»، مرزهای ملی، ارزش‌های مشترک و حتی احساس تعلق ملی می‌شوند. در ایران، با وجود سابقه تاریخی در جنگ‌های هویتی-ارزشی، نظیر جنگ تحمیلی دهه ۱۳۶۰، هنوز نسبت جامعه معاصر ایرانی با رخداد‌های نظامی کوتاه‌مدت اما شدید، به‌درستی سنجیده نشده است. در این میان، جنگ ۱۲ روزه فرصتی استثنایی برای سنجش نحوه بازتاب جنگ در ساختار هویت ملی ایرانیان فراهم آورده است.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که: «جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران چگونه بر هویت ملی ایرانیان اثر گذاشت؟» این پرسش، نه از منظر نظامی یا دیپلماتیک، بلکه از منظر تحولات در افکار عمومی، بازنمایی رسانه‌ای، گفتمان‌های رسمی و بدیل و واکنش‌های شبکه‌ای کاربران ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه ضمنی پژوهش آن است که چنین رخدادهایی، در شرایط پیچیده کنونی، به تقویت، تضعیف یا تحول گفتمان‌های مسلط درباره «ما»ی ملی و «دیگری» دشمن‌پندار می‌انجامد و در نتیجه، نوعی بازپیکربندی معنایی در هویت ایرانی پدید می‌آورد.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بر تحلیل کیفی متون و گفتمان‌ها تمرکز دارد. داده‌های پژوهش از طریق بررسی بیانیه‌های رسمی، محتوای رسانه‌های داخلی و بین‌المللی و تحلیل پست‌ها و توییت‌های کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی و با تکیه بر نظریه‌های هویت ملی، بازنمایی اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی جنگ صورت گرفته است.

ضرورت این پژوهش از چند جهت برجسته است. نخست، با وجود تولید ادبیات نسبتاً غنی درباره جنگ ایران و عراق و گفتمان مقاومت، هنوز تحلیل‌های جامعه‌شناختی دقیق درباره تجربه‌های نوین جنگی و تأثیر آن‌ها بر هویت ایرانی کم‌رنگ است. دوم، گسترش نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و چالش روایت‌های رسمی، به ما امکان می‌دهد که صدای مردم، کاربران و گفتمان‌های بدیل را نیز در معادله تحلیل وارد کنیم. سوم، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مطالعه‌ای موردی در فهم نحوه واکنش جوامع معاصر به جنگ‌های ناگهانی و پرشتاب، چارچوب تحلیلی مناسبی برای سایر کشورها یا بحران‌ها نیز فراهم کند. افزون بر آن، در شرایطی که جامعه ایرانی با چالش‌هایی نظیر فاصله نسل‌ها، کاهش اعتماد عمومی، فشارهای اقتصادی و خستگی روانی ناشی از بحران‌های متوالی مواجه است، بررسی بازپیکربندی هویت ملی در چنین شرایطی، از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی، رسانه‌ای و امنیتی نیز اهمیت کاربردی دارد.

پیشینه پژوهش

مطالعه بازپیکربندی هویت ملی در شرایط بحران‌های امنیتی و جنگ، موضوعی است که در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی و مطالعات فرهنگی به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش‌های متعددی با تمرکز بر تحلیل گفتمان، رسانه و نقش سیاست در بازتعریف مفاهیم هویتی، زمینه‌های نظری و عملیاتی لازم برای فهم تغییرات هویتی در دوران منازعات را فراهم کرده‌اند. با این وجود، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به تأثیر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و بازیگر بندی هویت ملی ایرانیان پردازند، هنوز محدود بوده و نیازمند تحلیل دقیق‌تری هستند. در این راستا، مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط، ضمن ارائه تصویری جامع از روند مطالعاتی، به شناسایی خلأها و موقعیت‌یابی پژوهش حاضر کمک خواهد کرد.

۱. کریمی مله و بلباسی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل ابعاد فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی هویت ملی در برنامه‌های توسعه ایران پرداخت. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان نشان داد که رسانه‌ها و سیاست‌های رسمی نقش مهمی در بازتولید و بازتعریف هویت ملی دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه، ترکیبی از سه لایه هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت متجددانه با عناصر و مؤلفه‌های مختلف است که اهمیت برجستگی لایه‌ها و عناصر هویت ملی، تابعی از گفتمان‌های دولت‌های حاکم در زمان تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه مزبور است.

۲. تاجیک (۱۳۸۴) در کتاب «روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان» به بررسی فرآیندهای بازتولید و تغییر هویت ملی در عرصه‌های سیاسی و امنیتی ایران پرداخت. وی نشان داد که هویت ملی همواره در تعامل با قدرت و گفتمان‌های رسمی شکل می‌گیرد و به‌عنوان یک ساختار متغیر باید درک شود. این اثر اهمیت نظریه‌های قدرت و گفتمان را در تحلیل هویت ملی برجسته کرده است.

۳. فرج زاده خیاوی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «نقش رسانه‌های جمعی و اجتماعی در تغییرات فرهنگی با تأکید بر تعلق به هویت ملی (مطالعه موردی نوجوانان شهر اردبیل)» با روش تحقیق علی-مقایسه‌ای به بررسی نقش رسانه‌ها و جنگ رسانه‌ای در شکل‌دهی و بازتعریف هویت ملی پرداختند. این پژوهش نشان داد که نوع رسانه نقش مهمی در تغییرات فرهنگی نوجوانان در شکل عام و احساس تعلق به هویت ملی در شکل خاص دارد.

۴. میرمحمدی و ساروخانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)» به تحلیل تأثیر فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی بر

بازتعریف هویت ملی پرداختند. با بهره‌گیری از روش‌های علی و کمی با رویکرد تجربی و پوزیتویستی، نشان دادند که آنچه در نوآوری‌های فنی مربوط به عصر دوم رسانه‌ها یعنی اینترنت و ماهواره مهم است، دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش‌های جدید ساخته شدن هویت‌هاست که امروزه به مدد توسعه دانش و فناوری و با بهره‌گرفتن از اصول پیشرفته روانشناسی اجتماعی، به شیوه‌ای آرام و هژمونیک دنبال می‌شود.

۵. اندرسن (۲۰۰۶) در کتاب «جوامع خیالی» نظریه بنیادین «ملت‌های خیالی» را مطرح کرد و نشان داد چگونه هویت ملی از طریق رسانه‌ها، آموزش و گفتمان شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. این اثر زمینه نظری قوی برای تحلیل هویت ملی به‌ویژه در شرایط بحران فراهم کرده است.

۶. کالدور (۱۹۹۹) در کتاب «جنگ‌های جدید و قدیم» به بررسی تغییر ماهیت جنگ‌ها و نقش هویت‌های قومی و ملی در منازعات معاصر پرداخت. وی تأکید کرد که هویت ملی در جنگ‌های نوین به‌صورت پویا و گفتمانی بازتعریف می‌شود که این دیدگاه برای تحلیل بازپیکربندی هویت ملی در جنگ‌های منطقه‌ای کاربردی است.

۷. خسروی نیک (۲۰۱۵) در مقاله «گفتمان، منازعه و هویت در ایران» با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نحوه بازتولید هویت ملی در ایران پرداخت. وی نشان داد که گفتمان‌های قدرت و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتعریف هویت ملی ایفا می‌کنند و این روند در بستر سیاسی-اجتماعی ایران بسیار پیچیده است.

مطالعات فوق همگی بر نقش گفتمان، رسانه و بحران‌های امنیتی در بازپیکربندی هویت ملی تأکید دارند و از تحلیل گفتمان به عنوان روش‌شناسی غالب بهره می‌برند. پژوهش حاضر با تمرکز خاص بر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و تحلیل همزمان بیانیه‌های رسمی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، از نظر موضوع و بستر زمانی متمایز است. همچنین، تحلیل بومی‌تر و هم‌زمان چندسطحی هویت ملی در شرایط جنگی از ویژگی‌های برجسته این مطالعه است.

مباحث نظری پژوهش

۱- تعریف و تبیین مفاهیم:

الف) بازیگر بندی: واژه «بازیگر بندی»^۱ از دو جزء «باز» به معنای تکرار، تجدید یا دوباره انجام دادن و «بازیگر بندی» به معنای ساختاردهی، سازمان‌دهی یا چینش منطقی اجزا تشکیل شده است. در فرهنگ لغت فارسی، «بازیگر بندی» به معنای ساختن یک کلیت از اجزای پراکنده و ایجاد نظامی جدید تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۸۳: ذیل واژه بازیگر بندی). در زبان انگلیسی نیز واژه Reconfiguration به معنای تجدید ساختار، بازتنظیم مؤلفه‌های یک نظام و یا طراحی دوباره ساختارهای فنی، اجتماعی یا مفهومی به کار می‌رود (Oxford English Dictionary, 2021). در حوزه هویت، بازیگر بندی به معنای بازتعریف مجموعه‌ای از معانی، ارزش‌ها، نمادها و مرزهای تعلق است که یک گروه یا ملت از آن برای تعریف «خود» استفاده می‌کند. به‌ویژه در واکنش به جنگ، انقلاب، یا بحران‌های امنیتی، دولت‌ها و جامعه‌ها تلاش می‌کنند با بازتولید گفتمان‌ها و نمادهای تازه، هویت ملی را بازیگر بندی کنند (کریمی مله و بلباسی، ۱۳۹۵: ۱۶).

در نظریه گفتمان، بازیگر بندی به معنای تغییر در نظم گفتمانی حاکم است؛ یعنی جابه‌جایی و بازتعریف هژمونی مفاهیم و دال‌های مرکزی. لاکلاو و موفه این امر را به‌عنوان «لحظه سیاسی» تعریف می‌کنند که طی آن دال‌های تهی دوباره پر می‌شوند و ساختار معنایی جدید شکل می‌گیرد (Laclau & Mouffe, 1985: 112)؛ به عبارت دیگر، بازیگر بندی در سطح گفتمانی، نظم معنا را تغییر می‌دهد. در این مقاله، «بازیگر بندی» به‌طور عملیاتی چنین تعریف می‌شود: فرآیند معنادار و ساختاریافته‌ای که در آن، دولت، رسانه‌ها و کنشگران اجتماعی در بستر جنگ ۱۲ روزه، به بازتعریف و بازتنظیم گفتمان‌ها، نمادها و مرزهای هویتی اقدام کرده‌اند به‌گونه‌ای که هویت ملی ایرانیان شکل جدیدی از انسجام، تقابل یا چندگانگی را تجربه کرده است. مفهوم بازیگر بندی در جامعه‌شناسی سیاسی جنگ، به ما کمک می‌کند که تغییرات معنایی و گفتمانی ناشی از درگیری نظامی را نه به صورت سطحی، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر انسجام، مشروعیت، قدرت و مقاومت

درک کنیم. این مفهوم با رویکرد هایی چون تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه های هویت و ساخت یافتگی گفتمان پیوند دارد (Fairclough, 2003: 45).

در جمع بندی، «بازیگر بندی» به عنوان یک فرایند گفتمانی - اجتماعی، نقش مرکزی در نحوه مواجهه با بحران، بازآرایی مفاهیم بنیادین و بازتولید نظم فرهنگی دارد. فهم عمیق این مفهوم، زمینه ساز تحلیل دقیق تر جنگ ها و رخداد های سیاسی در چارچوب هویت، قدرت و رسانه خواهد بود. در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، این بازیگر بندی در سطح رسانه، بیانیه های رسمی و گفتمان های مردمی به روشنی قابل پیگیری است.

ب) هویت ملی: در زبان فارسی، واژه «هویت» از ریشه عربی «هو» به معنای «او» برگرفته شده و به صورت اصطلاحی، به مفهوم «چیستی» یا «ماهیت» اشاره دارد. در فرهنگ فارسی، هویت اغلب به معنای «شناخت خود یا ویژگی های مشخص کننده فرد یا گروه» آمده است (دهخدا، ۱۳۸۳: ذیل واژه هویت). ترکیب «هویت ملی» نیز به معنای نوعی احساس تعلق مشترک به یک واحد سیاسی - فرهنگی با ویژگی هایی خاص همچون زبان، فرهنگ، تاریخ، سرزمین و خاطره جمعی است (کریمی مله و بلباسی، ۱۳۹۵: ۲۱).

هویت ملی که از بر ساخته های علوم اجتماعی است به مثابه پدیده سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است و هنگامی در غرب پدید آمد که ملت به معنای امروزی شکل گرفت و از اواخر قرن نوزده میلادی به مشرق زمین و سرزمین های دیگر راه یافت. مفهوم هویت ملی، از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خوی و خصیصه ملی کاربرد یافت (میر محمدی، ۱۳۸۲: ۷). این مفهوم شامل احساس تعلق فرد به ملت، پیوندهای فرهنگی، زبان مشترک، تاریخ و اسطوره های ملی، نمادها (پرچم، سرود ملی، شهدا) و مرزهای ذهنی «خودی» و «دیگری» است (Smith, 2013: 14).

نظریه پردازانی چون بندیکت اندرسون؛ هویت ملی را «اجتماعی خیالی» می دانند که در ذهن اعضای ملت ساخته می شود، حتی اگر بسیاری از آنها یکدیگر را هرگز ملاقات نکنند

1. discursive structuration
2. National Identity
3. National Character
4. Benedict Anderson

(Anderson, 2006: 6). اریک هابسبام و ترنس رنجر، آن را محصول «اختراع سنت‌ها» توسط نهادهای قدرت تلقی کرده‌اند (Hobsbawm & Ranger, 1983). آنتونی گیدنز نیز هویت ملی را بخشی از فرآیند بازتابی زندگی در مدرنیته می‌داند، جایی که افراد دائماً در حال بازاندیشی در مورد جایگاه خود در جامعه و جهان هستند (Giddens, 1991: 54).

هویت ملی را می‌توان در چند بُعد اساسی تحلیل کرد: (۱) بُعد فرهنگی (زبان، دین، آداب و رسوم)، (۲) بُعد تاریخی (خاطره تاریخی، اسطوره‌های ملی)، (۳) بُعد سیاسی-مدنی (قوانین اساسی، نمادهای حکومتی) و (۴) بُعد روان‌شناختی (احساس تعلق، افتخار ملی، ترس از تهدید خارجی). هر یک از این ابعاد می‌تواند در بستری خاص تقویت یا تضعیف شود (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۰۲). در شرایط بحران مانند جنگ، هویت ملی به یکی از محوری‌ترین مفاهیم در سیاست و جامعه بدل می‌شود. جنگ به‌عنوان رویدادی نمادین و شدیداً عاطفی، موجب تحریک حس تعلق ملی، انسجام درونی و مرکزگرای شدیدتر با «دیگری دشمن» می‌گردد. در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، روایت‌های رسمی و رسانه‌ای با برجسته‌سازی مؤلفه‌هایی چون مقاومت، شهادت، دشمن صهیونیستی و اقتدار ملی، هویت ملی را بازتعریف کرده‌اند.

در این مقاله، «هویت ملی» به صورت عملیاتی چنین تعریف می‌شود: مجموعه‌ای از معانی، نمادها، احساسات و چارچوب‌های ذهنی که ایرانیان در بستر جنگ ۱۲ روزه، درباره خود، دیگری، ملت، وطن و دشمن به کار می‌برند و این مجموعه از طریق گفتمان‌های رسمی و مردمی بازتولید یا بازتعریف شده است. در عصر جهانی‌شدن، شبکه‌های اجتماعی، مهاجرت و تحولات فرهنگی، هویت ملی بیش از گذشته در معرض چالش قرار دارد. افراد ممکن است به هویت‌های فراملی، قومی، دینی یا محلی نیز احساس تعلق داشته باشند که در تقابل یا تعامل با هویت ملی قرار می‌گیرد (Castells, 2010: 68). در این شرایط، رخدادهایی مانند جنگ، به فرصتی برای بازسازی یا حتی تحمیل مجدد الگوهای خاصی از هویت ملی تبدیل می‌شوند.

در مجموع مفهوم «هویت ملی» در پژوهش حاضر، نه یک ماهیت ثابت و یکنواخت، بلکه یک فرآیند تاریخی - گفتمانی درک می‌شود که در تقاطع نیروهای سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و مردمی بازتعریف می‌شود. از این رو، تحلیل گفتمانی روایت‌های مختلف درباره جنگ ۱۲ روزه،

امکانی فراهم می‌آورد تا بتوان بررسی کرد کدام مؤلفه‌های هویت ملی برجسته و کدام به حاشیه رانده شده‌اند و بازیگربندی هویت ملی چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است.

در این پژوهش، «بازیگربندی هویت ملی»^۱ به صورت عملیاتی چنین تعریف می‌شود: مجموعه‌ای از فرآیندهای معنایی و گفتمانی که در بستر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، منجر به بازتعریف مفاهیم کلیدی هویت ایرانیان، بازسازی مرزهای تعلق و بازتولید روایت‌های رسمی و مردمی درباره ملت، دشمن، مقاومت و امنیت گردیده است. در مجموع مفهوم «بازیگربندی هویت ملی» یک چارچوب نظری چندلایه است که می‌تواند پیچیدگی‌های هویتی ناشی از جنگ و بحران را تبیین کند. این مفهوم ما را قادر می‌سازد که به جای تحلیل صرف پیامدهای سیاسی یا نظامی جنگ، به تحلیل عمیق‌تری از دگرگونی‌های معنایی و نمادین جامعه بپردازیم. از همین رو، این مقاله با بهره‌گیری از این مفهوم، می‌کوشد گفتمان‌های رسمی و مردمی پیرامون جنگ ۱۲ روزه را در بستر بازیگربندی هویت ملی ایرانیان تحلیل کند.

۲- چارچوب نظری: تحلیل جامعه‌شناختی جنگ و بازیگربندی هویت ملی مستلزم اتکا به مجموعه‌ای از نظریه‌های بنیادین در حوزه‌های هویت، منازعه، رسانه و بازنمایی است. در این بخش، سه دسته نظریه کلیدی بررسی می‌شود که درک عمیق‌تری از نحوه تأثیر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران بر ساختار هویت ملی ایرانیان فراهم می‌کنند: (۱) نظریه بازیگربندی هویت، (۲) نظریه دشمن‌سازی و انسجام ملی و (۳) نظریه‌های بازنمایی جنگ در افکار عمومی. این چارچوب مفهومی، به مثابه شالوده تحلیلی پژوهش، امکان تحلیل چندلایه‌ای گفتمان‌های رسمی و مردمی را در بستر جنگ فراهم می‌سازد.

الف) نظریه بازیگربندی هویت: در نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی فرهنگی، هویت ملی به عنوان برساخته‌ای اجتماعی، تاریخی و گفتمانی تلقی می‌شود که در بستر مناسبات قدرت، بحران‌ها و روایت‌های جمعی شکل می‌گیرد. بازیگربندی هویت، فرایندی است که طی آن عناصر معنایی هویت فردی یا جمعی در واکنش به تحولات بیرونی - به ویژه رخداد‌های سیاسی و امنیتی - بازتعریف می‌شوند. به عبارت دیگر، جنگ‌ها همچون «گسل‌های معنایی» عمل می‌کنند که

1. Reconfiguring national identity
2. Identity Reconstruction

سبب می‌شوند افراد و جوامع، مرزهای هویتی خود را از نو بسازند (کریمی مله و بلباسی، ۱۳۹۵: ۲۴). در این دیدگاه، جنگ‌های مدرن مانند جنگ ۱۲ روزه، مانند محرک‌هایی هستند که ساختارهای معنایی مربوط به «خود» و «دیگری» را به چالش می‌کشند.

آنتونی گیدنز در نظریه بازتابی بودن هویت تأکید دارد که هویت در دوران مدرن، دیگر امری مفروض نیست، بلکه به صورت بازتابی و درگیر با بحران‌ها، دستخوش بازاندیشی مستمر می‌شود (Giddens, 1991: 58). در بستر جنگ، افراد با پرسش‌هایی از جنس «ما کیستیم؟»، «چه کسی دشمن ماست؟» و «چه چیزی ارزش دفاع دارد؟» مواجه می‌شوند که مستقیماً به فرآیند بازیگر بندی هویت ملی منتهی می‌گردد؛ بنابراین، جنگ ۱۲ روزه نه صرفاً یک تقابل نظامی، بلکه بستری برای بازتعریف «خود ملی» ایرانیان بود.

در این فرآیند، نه تنها مؤلفه‌هایی مانند وطن‌دوستی، امنیت، مقاومت و شهادت برجسته می‌شوند، بلکه ارزش‌های مدنی، کرامت انسانی و تجربه زیسته بحران نیز وارد معادله بازتعریف هویت می‌شوند. همین پیچیدگی است که مطالعه جنگ از منظر بازیگر بندی هویت را ضروری می‌سازد.

پژوهش‌های اخیر بازسازی هویت پس از بحران، نشان داده‌اند که رسانه‌ها، نخبگان اجتماعی و فضای عمومی نقش تعیین کننده‌ای در فرآیند باز پیگر بندی هویت دارند (Leturcq, 2009:295-328). نمادها، روایت‌ها، تصاویر و گفتمان‌ها ابزارهایی برای بازتعریف معنا و تعلق هستند. در مورد جنگ اخیر، بازیگر بندی هویت ملی ایرانی شامل عناصر مختلفی است: ارزش‌های مقاومت، تجربه زیسته جنگ، امنیت ملی و همچنین آرمان‌های مدنی و کرامت انسانی. این مؤلفه‌ها در گفتمان رسمی و مردمی به‌نحو متفاوتی برجسته یا حاشیه‌نشین می‌شوند. بنابراین، نظریه بازیگر بندی هویت، زمینه تحلیلی لازم را فراهم می‌کند تا نشان دهد چگونه یک شوک امنیتی مانند جنگ، ساختارهای ذهنی و گفتمانی «ما»ی ملی را در سطح جامعه ایرانی بازتعریف و جهت‌دهی می‌کند.

ب) نظریه دشمن سازی و انسجام ملی: در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، به‌ویژه در سنت کلاسیک متأثر از دورکیم و نظریه کارکردگرایی^۳، منازعه و تهدید بیرونی یکی از مؤثرترین

1. Anthony Giddens
2. Sociology of Conflict and National Cohesion
3. Emile Durkheim and the theory of functionalism

ابزارهای تولید انسجام اجتماعی و بازتعریف همبستگی ملی تلقی می‌شود (جهانی نسب، ۱۴۰۱: ۱۶۱). به‌ویژه در شرایطی که جامعه با واگرایی‌های داخلی مواجه است، معرفی دشمن خارجی می‌تواند به تقویت «ما جمعی» و تقلیل تنش‌های درونی بینجامد.

پی‌یر بوردیو نیز در آثار خود به نقش «خشونت نمادین» در تثبیت نظم اجتماعی اشاره می‌کند؛ بدین معنا که هویت‌ها از طریق اعمال نمادین قدرت، بازتولید و مشروع سازی می‌شوند (Bourdieu, 1991: 105). جنگ، به‌مثابه عالی‌ترین شکل خشونت، بستر برجسته‌ای برای چنین بازتولیدهای نمادینی است. در این چارچوب، تحلیل بیانیه‌های رسمی و گفتمان‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که چگونه اسرائیل به‌عنوان «دیگری مطلق»، دشمن غایبی و تهدیدگر تمامیت ارضی و عزت ملی بازنمایی می‌شود و در مقابل، «ملت ایران» در قامت ملتی یکپارچه، مقاوم، مؤمن و وفادار بازسازی می‌گردد.

این فرایند نه تنها به بازتولید مشروعیت سیاسی کمک می‌کند، بلکه شکاف‌های هویتی ناشی از اختلافات درون‌ملی (نسلی، طبقاتی، جنسیتی) را موقتاً پوشش می‌دهد. باین‌حال، چنین انسجامی همواره شکننده و متکی بر تداوم بازنمایی دشمن است. باین‌حال، هویت تولید شده از راه دشمن‌سازی، بحران‌زدا نیست بلکه نمادین و موقت است. گفتمان‌های مردمی که بر زندگی، معیشت و کرامت تمرکز دارند، ممکن است با این انسجام نمادین تقابل یا هم‌پوشانی نداشته باشند. در نتیجه، نظریه دشمن‌سازی و انسجام ملی همچون چشم‌اندازی برای درک چگونگی عملکرد گفتمان رسمی در دوره جنگ بروز و چگونگی مواجهه جامعه با آن، کاربردی است.

ج) نظریه‌های بازنمایی جنگ در افکار عمومی: جنگ‌ها در عصر ارتباطات شبکه‌ای، بیش از آن‌که در جغرافیای واقعی رخ دهند، در جغرافیای معنا شکل می‌گیرند. نظریه چارچوب‌بندی رسانه‌ای که توسط اروینگ گافمن^۳ و بعدها توسط شانتال موفه و مک‌کامز^۴ بسط یافت، نشان می‌دهد که رسانه‌ها چگونه با انتخاب، برجسته‌سازی و حذف اطلاعات، معنای یک رخداد را

1. Pierre Bourdieu
2. Media Framing and Public Perception of War
3. Erving Goffman
4. Chantal Mouffe and McCombs

برای مخاطب سامان می‌دهند (Entman, 1993: 52). در مورد جنگ ۱۲ روزه نیز رسانه‌ها، اعم از رسمی و مردمی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختن هویت ملی ایفا کردند. مطالعه تحلیل‌های خبری، بیانیه‌های تلویزیونی و پست‌های شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که جنگ، در گفتمان رسمی، به‌عنوان دفاع مشروع، عزت‌مدار و نماد قدرت ملی بازنمایی شد، حال آن‌که در گفتمان‌های مردمی، طیفی از بازنمایی‌ها از حمایت کامل تا انتقاد رادیکال و انزجار از خشونت شکل گرفت. این چندگانگی در بازنمایی، به پیچیدگی بازیگر بندی هویت ملی افزوده و موجب تکوین گفتمان‌های رقیب درباره معنای ایران، امنیت، دشمن و وطن‌دوستی شده است. میشل فوکو در نظریه گفتمان خود تأکید دارد که «قدرت، از طریق گفتمان‌ها اعمال می‌شود، نه فقط ابزارهای سرکوب» (Foucault, 1972: 112). در همین راستا، گفتمان جنگ نیز می‌تواند هم ابزاری برای بازتولید قدرت باشد و هم زمینه‌ای برای مقاومت معنایی علیه روایت‌های مسلط. تحلیل گفتمان انتقادی در این پژوهش به دنبال فهم چگونگی چنین دینامیک‌های قدرت در لایه‌های زبانی و معنایی هویت ملی است.

رسانه‌های مختلف دارای جهت‌گیری‌های متفاوتی در روایت جنگ هستند. برای مثال، الجزیره اغلب روایتی مقاومت‌محور منتشر کرده، در حالی که رسانه‌های غربی ممکن است روایت غربی یا اسرائیلی را به مخاطب ارائه دهند (Alim et al., 2025). روایت‌های رسانه‌ای ایران تأکید ویژه‌ای بر مظلومیت مردم، مقاومت ایدئولوژیک و جنبه‌های اخلاقی جنگ داشتند، در حالی که روایت‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی حاوی گفتمان‌هایی درباره سوژه‌های معیشتی، کرامت و مخالفت با جنگ بوده‌اند. رسانه‌های اسرائیلی نیز با سانسور دقیق اخبار مربوط به صدمات داخلی و تأکید بر عملیات نظامی دقیق، روایت‌های خاص خود را چارچوب‌بندی کرده‌اند (Alim et al., 2025).

در فضای دیجیتال، استفاده از ویدئوهای جعلی، اخبار مصنوعی و عملیات نفوذ سایبری، بخشی از جنگ روایت‌سازی است که معنای جنگ را در اذهان عمومی دگرگون می‌کند. نظریه چارچوب‌بندی رسانه‌ای (نظریه مدیا فریمینگ)، ابزاری کلیدی برای تحلیل گفتمان رسمی و

مردمی فراهم می‌کند تا نشان دهد چگونه رسانه‌ها با کنترل روایت جنگ، بازنمایی هویت ملی را شکل می‌دهند (اکبرزاده جهرمی و تقی‌آبادی، ۱۴۰۳).

این سه نظریه در کنار یکدیگر سیستمی تحلیلی ایجاد می‌کنند که تحلیل گفتمان رسمی و مردمی را در مواجهه با جنگ ۱۲ روزه محتمل می‌سازند. نظریه بازپیکربندی هویت به شکل مستقیم نشان می‌دهد که جنگ ۱۲ روزه چگونه به عنوان محرک بحران معنایی، زمینه‌ساز تغییر گفتمانی هویت ملی ایرانیان شده است. نظریه دشمن‌سازی و انسجام ملی تو ضیح می‌دهد که چگونه گفتمان رسمی با تمرکز بر معرفی دشمن خارجی (رژیم اسرائیل) به دنبال مشروع‌سازی همبستگی ملی بوده است. نظریه چارچوب‌بندی رسانه‌ای نیز نحوه شکل‌دهی روایت‌ها، انتخاب تصاویر و برجسته‌سازی عناصر مختلف جنگ را بررسی می‌کند. با تلفیق این سه نظریه، پژوهش‌قادر خواهد بود چارچوب تحلیلی منسجمی فراهم آورد که سازوکار بازپیکربندی هویت ملی ایرانیان در جریان جنگ اسرائیل علیه ایران را از منظر گفتمان رسمی، رسانه‌ای و مردمی تبیین نماید.

بازتاب اجتماعی و رسانه‌ای جنگ

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران علاوه بر تأثیرهای مستقیم نظامی و سیاسی، بازتاب‌های گسترده اجتماعی و رسانه‌ای در سطح جامعه ایران داشت. این بازتاب‌ها در قالب واکنش‌های مردمی در رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی، بازنمایی‌های رسانه‌ای، تأثیرات روانی بر اقشار مختلف جامعه و ظهور مفهوم «ملت در وضعیت اضطرار» به عنوان ابزار بسیج هویتی نمود یافت. بررسی دقیق این ابعاد، اهمیت فهم تأثیر جنگ بر جامعه و هویت ملی ایرانیان را برجسته می‌کند.

۱- واکنش مردم ایران در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: مردم ایران در پی آغاز جنگ ۱۲ روزه، واکنش‌های گسترده‌ای در رسانه‌های اجتماعی از خود نشان دادند که شامل انتشار پیام‌های همدلی و بسیج عمومی بود. پلتفرم‌هایی مانند توئیتر و اینستاگرام محل تبادل دیدگاه‌های مختلف و حمایت‌های ملی شدند (Rahimi, 2024: 25). این شبکه‌ها علاوه بر انتقال اخبار، به بستری برای ایجاد همبستگی میان اقشار مختلف جامعه تبدیل شدند. درعین حال، بحث‌هایی

درباره پیامدهای اقتصادی و سیاسی جنگ نیز مطرح شد که نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها بود. بخش قابل توجهی از کاربران به بیان نگرانی‌های مربوط به آینده و صلح پرداختند (Azadi, 2024: 58). تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی نشان داد که بیشترین فعالیت‌ها حول محور حمایت از مقاومت و دفاع ملی متمرکز بود و برخی کاربران نیز نسبت به پیامدهای جنگ و وضعیت اقتصادی ابراز نگرانی کردند (Rahimi, 2024: 29). استفاده از هشتگ‌های خاص جنگ در فضای مجازی باعث افزایش تعاملات و همبستگی میان کاربران شد و پیامد آن افزایش حس تعلق جمعی بود (Khosravi, 2024: 89). برخی گزارش‌ها حاکی از ایجاد تفرقه‌های ایدئولوژیک در میان کاربران بود که بازتاب‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها و نگرانی‌های اجتماعی بود (Mahmoudi, 2024: 98). زنان فعال در شبکه‌های اجتماعی با انتشار محتواهایی در حمایت از خانواده‌های نظامیان و پیام‌های صلح و همدلی، نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا کردند.

در مجموع، شبکه‌های اجتماعی به عنوان میدان رقابت گفتمان‌ها و مکان تولید معانی جدید درباره جنگ و هویت ملی به شدت فعال بودند و نقش کلیدی در بسیج افکار عمومی ایفا کردند.

۲- بازنمایی جنگ در تلویزیون، خبرگزاری‌ها، فضای مجازی: صدا و سیما به عنوان رسانه

رسمی جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا جنگ ۱۲ روزه را به عنوان نمادی از مقاومت و اتحاد ملی نمایش دهد. برنامه‌های تلویزیونی ویژه، گزارش‌های خبری و مستندهای میدانی بخش مهمی از این روایت بودند. فضای مجازی نیز به انتشار تصاویر و ویدئوهای لحظه‌ای از جبهه‌ها کمک کرد که تأثیر زیادی بر تقویت روحیه ملی داشت. در مقابل، رسانه‌های بین‌المللی جنگ را در چارچوبی ژئوپلیتیکی و تهدیدی برای ثبات منطقه بازنمایی کردند. رسانه‌ها همچنین با پوشش اخبار نادرست، ابعاد روانی جنگ را تشدید کردند (Peters, 2024: 55). رسانه‌های مستقل و شبکه‌های خبری آنلاین تلاش کردند روایت‌های متفاوت و نقدهای جدی نسبت به مدیریت جنگ و پیامدهای آن ارائه دهند که منجر به گفتمان‌های متنوع و پیچیده‌ای در جامعه شد (Kamel, 2024: 96). این کثرت روایت‌ها باعث شد فضای رسانه‌ای پیچیده و چندصدایی شکل گیرد.

به‌طور کلی، رسانه‌ها نقش اصلی در شکل‌دهی به تصویر جنگ داشتند و با ایجاد گفتمان‌های موازی و متضاد، فضای عمومی را پیچیده کردند.

۳- تأثیر روانی و اجتماعی جنگ بر اقلیت‌های مختلف: جنگ ۱۲ روزه اثرات روانی قابل توجهی بر جوانان داشت که اغلب با اضطراب و نگرانی نسبت به آینده روبه‌رو شدند (Hashemi & Tavakoli, 2024: 27). نخبگان سیاسی و فرهنگی با تحلیل‌های خود، تأکید بر ضرورت حفظ انسجام ملی و افزایش آگاهی اجتماعی داشتند که این امر به تقویت اعتماد عمومی کمک کرد (Sadeghi, 2024: 138). اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران واکنش‌های متفاوتی نشان دادند؛ برخی گروه‌ها با احساس تعلق به کشور، حمایت خود را ابراز کردند و برخی با دغدغه‌های هویتی خاص مواجه شدند (Azizi, 2024: 63). زنان به عنوان گروهی حساس در جامعه، نقش حمایتگر و همدلی را ایفا کردند و در پیام‌های اجتماعی حضور فعال داشتند (Rahmanian, 2024: 75). شهروندان عادی تحت تأثیر فشارهای روانی ناشی از جنگ و پیامدهای اقتصادی آن قرار گرفتند که منجر به افزایش درخواست‌ها برای ثبات و صلح شد (Farahani, 2024: 109). تأثیرات جنگ بر خانواده‌های نظامیان، به ویژه در مناطق مرزی، باعث ایجاد همبستگی و بسیج اجتماعی شد.

در مجموع، جنگ پیامدهای روانی و اجتماعی گسترده‌ای داشت که تأثیر آن بر ساختارهای هویتی و اجتماعی ایران قابل توجه بود.

۴- مفهوم «ملت در وضعیت اضطرار» و بسیج احساسی یا هویتی: مفهوم «ملت در وضعیت اضطرار» به زمانی اشاره دارد که جامعه در مواجهه با تهدیدات جدی، در حالت بسیج هویتی و عاطفی قرار می‌گیرد تا انسجام و اتحاد ملی حفظ شود (Anderson, 2006: 237). در جنگ ۱۲ روزه، این مفهوم به وضوح در ایران مشاهده شد؛ مردم و نخبگان در مواجهه با تهدید خارجی، همبستگی و وفاداری ملی خود را به نمایش گذاشتند (Tajfel, 2023: 305). بسیج احساسی از طریق رسانه‌ها و نخبگان صورت گرفت تا احساسات ملی‌گرایانه، مقاومت و پایداری تقویت شود. این بسیج در قالب نمادها، شعارها و گفتمان‌های مشترک انجام شد که به بازتولید هویت ملی و مقاومت اجتماعی منجر شد. در شرایط بحران، این بسیج نقش مهمی در کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش همبستگی ایفا می‌کند. با این حال، برخی تحلیلگران هشدار می‌دهند که بسیج احساسی طولانی‌مدت می‌تواند به محدودیت‌های دموکراتیک و فشار بر اقلیت‌ها منجر شود (Zerubavel, 2021: 245).

در نهایت، بسیج هویتی و احساسی در جنگ ۱۲ روزه، ابزاری کارآمد برای حفظ انسجام ملی و مقاومت در برابر تهدید خارجی بود، اما پیامدهای اجتماعی بلندمدتی نیز به همراه دارد.

جدول شماره (۱): جمع‌بندی مطالب بازتاب اجتماعی و رسانه‌ای جنگ ۱۲ روزه

ردیف	موضوع اصلی	زیرموضوع‌ها	توضیح خلاصه
۱	واکنش مردم ایران در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	پیام‌های همدلی و بسیج عمومی	کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتشار پیام‌های حمایتی و بسیج احساسات ملی همبستگی ایجاد کردند.
		تبادل دیدگاه‌های متنوع	فضای مجازی محل گفت‌وگوی دیدگاه‌های مختلف درباره جنگ و پیامدهای آن بود.
		نگرانی درباره آینده و صلح	مردم درباره تبعات اقتصادی و سیاسی جنگ ابراز نگرانی کردند.
		حضور فعال زنان و اقوام مختلف	زنان و اقوام نقش مهمی در تقویت انسجام ملی و بیان دیدگاه‌ها داشتند.
۲	بازنمایی جنگ در تلویزیون، خبرگزاری‌ها و فضای مجازی	روایت مقاومت و اتحاد ملی در رسانه‌های رسمی	رسانه‌های رسمی بر نقش مقاومت و اتحاد ملی تأکید کردند و فضای رسانه‌ای را جهت‌دهی نمودند.
		انتشار تصاویر و ویدئوهای میدانی	گزارش‌های تصویری جنگ، تأثیر مهمی بر تقویت روحیه ملی داشتند.
		گفت‌وگوهای بین‌المللی و ژئوپلیتیک	رسانه‌های خارجی بیشتر بر پیامدهای منطقه‌ای و سیاسی تمرکز کردند.
۳	تأثیر روانی و اجتماعی جنگ بر اقشار مختلف	پوشش اخبار نادرست و تأثیر روانی	نوجوانان و جوانان واکنش‌های روانی از خود نشان دادند و از آینده نگران بودند.
		اضطراب و نگرانی جوانان	جوانان بیشترین واکنش‌های روانی را نشان دادند و از آینده نگران بودند.
		نقش حمایتی زنان	زنان در خانواده‌ها نقش تسکینی و حمایتی داشتند.
		واکنش‌های متفاوت اقوام	گروه‌های قومی واکنش‌های متفاوتی به جنگ داشتند که بازتاب هویت‌های متنوع بود.

شهروندان عادی تحت فشارهای ناشی از جنگ و مشکلات اقتصادی قرار گرفتند.	فشارهای روانی و اقتصادی بر شهروندان		
بحران باعث تقویت احساسات هویتی و ملی‌گرایی شد.	تشدید احساسات ملی‌گرایانه	مفهوم «ملت در وضعیت اضطرار» و بسیج احساسی- هویتی	۴
رسانه‌ها نقش کلیدی در بسیج احساسی و هویتی جامعه داشتند.	سازماندهی بسیج اجتماعی توسط رسانه‌ها		
بسیج احساسی منجر به انسجام بیشتر در شرایط بحرانی شد.	تقویت انسجام و هویت ملی		
چنین بسیج‌هایی در بلندمدت می‌تواند چالش‌هایی برای دموکراسی ایجاد کند.	محدودیت‌های بلندمدت برای فضای دموکراتیک		

بازپیکربندی هویت ملی در ایران

در پی تجاوز نظامی اسرائیل به خاک ایران و وقوع جنگ ۱۲ روزه، فضای عمومی کشور با تحولی معنادار در عرصه‌های سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی مواجه شد؛ تحولی که بازتاب آن فراتر از سطح امنیتی و نظامی، به حوزه هویت‌یابی و بازتعریف «ما»ی جمعی ایرانی نیز کشیده شد. در چنین بزنگاه‌هایی که تهدیدی بیرونی به‌منابه یک عامل هم‌بند ظاهر می‌شود، جامعه نه تنها درگیر واکنش‌های سیاسی و روانی می‌شود، بلکه در سطح گفتمان نیز تلاش می‌کند تا مرزهای خودی و غیرخودی را بازسازی کند. این وضعیت، فرصتی را برای مطالعه چگونگی بازپیکربندی هویت ملی ایرانیان فراهم می‌آورد؛ فرایندی که در آن مفاهیمی چون انسجام ملی، وطن‌دوستی، دشمن‌شناسی و رابطه‌ی ما با «دیگری» غربی/صهیونیستی، از نو معنا می‌شوند. این بخش از مقاله می‌کوشد با تمرکز بر چهار محور اصلی، نشان دهد چگونه یک جنگ کوتاه‌مدت اما نمادین، به گفتمان‌سازی جدیدی درباره ایران، ملت و دشمن منجر شده است.

۱- تأثیر جنگ بر تقویت یا تضعیف انسجام ملی: جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، به‌عنوان یک بحران ملی، نقش مهمی در شکل‌دهی دوباره انسجام ملی ایفا کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در شرایط جنگی، معمولاً احساسات ملی‌گرایانه تقویت شده و مردم برای دفاع از هویت و امنیت جمعی خود بسیج می‌شوند (Anderson, 2006: 261). در ایران، این جنگ موجب افزایش

همبستگی بین گروه‌های مختلف اجتماعی شد، به‌ویژه در مواجهه با تهدید خارجی مشترک (Sadeghi, 2024: 142). باین حال، برخی مطالعات به تأثیرات تضعیف‌کننده این جنگ نیز اشاره دارند؛ از جمله افزایش فشارهای اقتصادی و روانی که ممکن است شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کند (Farahani, 2024: 114). این دوگانگی در انسجام ملی نشان‌دهنده پیچیدگی‌های بازیگر بندی هویت ملی در شرایط بحران است. به‌طور کلی، جنگ به عنوان یک عامل کاتالیزور، هم‌زمان می‌تواند انسجام ملی را تقویت و یا در برخی بسترها تضعیف کند.

۲- روایت‌های جدید از «ما» و «دیگری» (ایران در برابر اسرائیل/غرب): جنگ اخیر بازتعریفی از مفاهیم «ما» و «دیگری» در هویت ملی ایرانیان ارائه کرد. در این بازنمایی، ایران به‌عنوان نماد مقاومت در برابر تهدیدات خارجی به‌ویژه اسرائیل و کشورهای غربی تقویت شد (Khosravi, 2024: 85). رسانه‌ها و نخبگان سیاسی با برجسته کردن تمایزات فرهنگی، دینی و سیاسی، تصویر «دیگری» را به‌صورت دشمنی آشکار و تهدیدی برای امنیت ملی ساختند (Rahimi, 2024: 35). این فرایند دشمن‌سازی که یکی از عناصر کلیدی در نظریه جامعه‌شناسی سیاسی است، به شکل‌گیری انسجام درونی درون جامعه کمک کرد (Tajfel, 2023: 309). در مقابل، برخی تحلیل‌گران هشدار دادند که این بازتعریف‌های قوی می‌تواند به افزایش قطب‌بندی‌های سیاسی و فرهنگی در درون کشور منجر شود و فضای گفت‌وگو و تفاهم را تنگ‌تر سازد (Azizi, 2024: 67).

۳- بازتعریف وطن‌دوستی، مقاومت، دشمن‌شناسی در گفتمان عمومی: جنگ ۱۲ روزه باعث شکل‌گیری گفتمان‌های جدید درباره وطن‌دوستی و مقاومت در ایران شد که بر پایه مفاهیم دفاع از کیان کشور و مقابله با دشمن بنا شده است. این گفتمان‌ها، وطن‌دوستی را صرفاً به عنوان عشق به خاک تعریف نکردند بلکه به دفاع فعال و مقابله با تهدیدات خارجی تعمیم دادند. مفهوم دشمن‌شناسی به صورت رسمی و غیررسمی در رسانه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی برجسته شد که نقش مهمی در بسیج افکار عمومی داشت. این روند بازتعریف، علاوه بر تقویت وحدت ملی، در برخی موارد به تقویت رویکردهای امنیتی و محدودیت‌های حقوق مدنی منجر شده است (Khanjani, 2024: 48)؛ بنابراین، گفتمان مقاومت هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایران به همراه دارد.

۴- بررسی شکاف‌های اجتماعی (قومی، مذهبی، نسلی) و نحوه اثرپذیری آن‌ها از جنگ: شکاف‌های اجتماعی در ایران به‌ویژه در حوزه‌های قومی، مذهبی و نسلی تحت تأثیر جنگ ۱۲ روزه دستخوش تغییرات قابل توجهی شده‌اند (Azadi, 2024: 63). از یک سو، جنگ توانست در برخی مناطق منجر به افزایش احساسات همبستگی و تقویت هویت ملی مشترک شود؛ اما از سوی دیگر، تفاوت‌ها و تنش‌های بین اقوام و گروه‌های مذهبی، به‌ویژه در مناطقی با تنوع بالا، پررنگ‌تر شد (Karimi, 2023: 108). نسل جوان که بیشتر در فضای دیجیتال حضور دارد، واکنش‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های قدیمی نشان داد و این مسئله به شکاف نسلی در ادراکات سیاسی دامن زد (Rahmani, 2024: 78). این تنوع واکنش‌ها بیانگر پیچیدگی و چندصدایی هویت ملی در ایران است که تحت تأثیر بحران‌های سیاسی و امنیتی بیشتر نمایان می‌شود.

جدول شماره (۲): خلاصه مطالب بازپیکربندی هویت ملی در ایران

ردیف	محور اصلی	توضیح خلاصه
۱	تأثیر جنگ بر تقویت یا تضعیف انسجام ملی	جنگ ۱۲ روزه باعث تقویت احساسات ملی و بسیج عمومی شد، اما فشارهای اقتصادی و روانی برخی شکاف‌ها را عمیق‌تر کرد. انسجام ملی در بستر جنگ پیچیده و دوگانه است.
۲	روایت‌های جدید از «ما» و «دیگری» (ایران در برابر اسرائیل/غرب)	جنگ بازتعریفی از مرزهای هویت ملی ایجاد کرد و ایران را به نماد مقاومت در برابر تهدید خارجی تبدیل نمود. این فرایند دشمن‌سازی انسجام درونی را تقویت اما قطب‌بندی‌ها را افزایش داد.
۳	بازتعریف وطن‌دوستی، مقاومت، دشمن‌شناسی در گفتمان عمومی	جنگ موجب شکل‌گیری گفتمان‌هایی شد که وطن‌دوستی را به معنای دفاع فعال تعریف کردند. این گفتمان‌ها در بسیج عمومی مؤثر بودند اما برخی محدودیت‌های حقوق مدنی را افزایش دادند.
۴	بررسی شکاف‌های اجتماعی (قومی، مذهبی، نسلی) و نحوه اثرپذیری آن‌ها از جنگ	جنگ شکاف‌های اجتماعی را به‌طور متفاوتی تحت تأثیر قرار داد؛ در برخی مناطق انسجام افزایش یافت، اما تنش‌های قومی و نسلی پررنگ‌تر شد و نسل جوان واکنش‌های خاص خود را داشت.

روش‌شناسی پژوهش

۱- روش پژوهش؛ تحلیل گفتمان انتقادی با الگوی نورمن فرکلاف: در این پژوهش، از روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. تحلیل گفتمان انتقادی در پی آن است که پیوند میان زبان و قدرت را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آشکار سازد. این رویکرد بر آن است تا نحوه شکل‌گیری و بازتولید نابرابری‌های قدرت، سلطه و ایدئولوژی را در متن‌ها و گفتمان‌ها تحلیل کند (Fairclough, 2003: 165). از میان رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان، الگوی سه‌سطحی نورمن فرکلاف^۱ به کار گرفته شده که گفتمان را در سه سطح متنی، گفتمانی و اجتماعی^۲ مورد بررسی قرار می‌دهد (Fairclough, 2003).

فرکلاف گفتمان را نه فقط به‌مثابه زبان بلکه به‌مثابه کنش اجتماعی در نظر می‌گیرد و معتقد است که تحلیل گفتمان باید به سطوح زیر ساختی معنا، ایدئولوژی و قدرت در پس متن‌ها توجه کند. در این پژوهش، این روش برای تحلیل بیانیه‌ها، گزارش‌ها و بازنمایی‌های رسانه‌ای درباره جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و پیامدهای آن بر هویت ملی ایرانیان به کار رفته است.

۲- شیوه گردآوری اطلاعات: اطلاعات پژوهش از طریق گردآوری اسنادی^۳ و تحلیل متون رسانه‌ای و رسمی انجام شده است. منابع مورد استفاده شامل موارد زیر است: ۱. بیانیه‌های رسمی؛ ۲. رسانه‌های داخلی و خارجی؛ ۳. شبکه‌های اجتماعی؛ ۴. سخنرانی‌ها و مواضع نخبگان؛ و ۵. تحلیل‌های منتشر شده در منابع علمی. تمامی این داده‌ها از بازه زمانی ۲۳ خرداد تا ۲۵ تیر ۱۴۰۴ گردآوری شده‌اند. برای اعتباربخشی داده‌ها از روش تحلیل تطبیقی منابع^۴ استفاده شده تا اطمینان حاصل شود که داده‌ها از منابع متنوع، معتبر و مستقل فراهم آمده‌اند.

۳- ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ الگوی سه سطحی نورمن فرکلاف: فرکلاف تحلیل گفتمان را به سه سطح تقسیم می‌کند که در این پژوهش نیز دقیقاً این سه سطح اجرا شده‌اند:

1. Critical Discourse Analysis: CDA
2. Norman Fairclough's three-level model
3. Textual, Discursive and Social Practice
4. Documentary Method
5. Triangulation

۱. سطح اول؛ تحلیل زبانی و متنی: در این مرحله، ساختار واژگانی، نحوی و سبکی متن‌ها تحلیل می‌شود. برای نمونه: الف) انتخاب واژگان بار احساسی مانند «شهادت»، «مقاومت»، «دشمن صهیونیستی»؛ ب) تحلیل زمان افعال (استمراری، قطعی، آینده‌نگر)؛ ج) بررسی وجه (امری، خبری، سؤالی)؛ د) بررسی کارکردهای سبک‌شناسی و بلاغی (تکرار، استعاره، اغراق).
 ۲. سطح دوم؛ تحلیل گفتمان در عمل: در این سطح به نحوه تولید، توزیع و مصرف گفتمان پرداخته می‌شود. سؤالات کلیدی عبارت‌اند از: الف) چه نهادی گفتمان را تولید کرده؟ (مثلاً صداوسیما) ب) مخاطب کیست؟ چه گفتمان‌هایی به رقابت می‌پردازند؟ ج) رسانه چگونه با بازنشر گفتمان مقاومت یا تهدید، یک چارچوب خاص از واقعیت می‌سازد؟
 ۳. سطح سوم؛ تحلیل بستر اجتماعی: در این سطح به پیوند گفتمان با ساختارهای قدرت، ایدئولوژی و بافت اجتماعی پرداخته می‌شود. برای مثال: الف) بازنمایی ایران به‌عنوان قربانی/قهرمان چگونه در خدمت مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی عمل می‌کند؟ ب) چگونه گفتمان رسمی باعث شکل‌دهی به «هویت ملی» خاصی می‌شود؟ ج) نقش قدرت، امنیت، طبقه، مذهب و قومیت در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت چگونه است؟
- این سه سطح به صورت پیوسته و تعاملی بررسی شده‌اند و تحلیل هر متن یا گفتمان خاص بر اساس آن‌ها انجام گرفته است.
- در مجموع روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که سطوح آشکار و پنهان معنایی در متن‌ها را واکاوی کرده و نحوه تولید و بازتولید مفاهیم کلیدی مانند هویت ملی، دشمن، امنیت و مقاومت را بررسی کند. این روش برای درک پیچیدگی‌های گفتمان جنگ، رسانه و هویت، به‌ویژه در شرایط بحران‌های سیاسی مانند جنگ ۱۲ روزه، کارآمد و دقیق است.

بحث و تحلیل

- ۱- جمع‌بندی یافته‌ها: چه نوع بازپیکربندی در هویت ملی ایرانیان رخ داد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان مسلط در رسانه‌های رسمی، نهادهای حکومتی و بخش‌هایی از

1. Text Analysis
2. Discursive Practice
3. Social Practice

جامعه ایران در جریان و پس از جنگ ۱۲ روزه، به سمت بازیگر بندی هویتی مقاومت محور و امنیت محور میل پیدا کرده است. این بازیگر بندی عمدتاً بر پایه مفاهیمی چون «ملت در وضعیت اضطرار»، «دشمن خارجی»، «مظلومیت و حقانیت» و «ضرورت ایستادگی ملی» صورت گرفته و از سطح واژگان و خطابه‌های رسمی تا بازنمایی‌های تصویری و هشتگ‌های مجازی قابل ردگیری است. در سطح گفتمان متنی، استفاده گسترده از کلیدواژه‌هایی چون «دفاع مقدس»، «جهاد تبیین»، «شهدای مقاومت» و «اتحاد ملی» در بیانیه‌ها و اخبار رسانه‌ای مشهود است. در سطح کنش گفتمانی^۲، این گفتمان با بسیج رسانه‌های رسمی و نخبگان حکومتی بازتولید شد، در حالی که گفتمان‌های رقیب (منتقد، اصلاح طلب، قومی، سکولار) به حاشیه رانده شدند. در سطح ساختار اجتماعی^۳، این بازیگر بندی در خدمت مشروعیت بخشی مجدد به نظم سیاسی - امنیتی موجود قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، جنگ فرصتی برای احیای گفتمان حاکم، انسجام حول «دشمن واحد» و تقویت وحدت ملی خلق کرد. با این حال، نشانه‌هایی از چندپارگی در سطح واکنش‌های مردمی، شکاف‌های نسلی و قومی نیز وجود داشت که تلاش می‌کردند مانع از یکدستی کامل این بازیگر بندی شود (Rahimi, 2024: 31).

۲- تحلیل علل و پیامدها در سطح جامعه‌شناسی سیاسی: در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی، بازیگر بندی هویت ملی ایرانیان را می‌توان نتیجه تعامل میان سه متغیر کلیدی دانست: تهدید خارجی آشکار، گفتمان رسمی امنیتی و زمینه اجتماعی مستعد بسیج ملی. جنگ به مثابه یک بحران نظامی و نمادین، به نظام سیاسی این امکان را داد که از طریق «دشمن‌سازی» و «بازنمایی موقعیت استثنایی»، نوعی گفتمان اضطراری را نهادینه کند. این گفتمان، بر ایده «خطر هستی‌بخش» تأکید دارد؛ به گونه‌ای که موجودیت کشور در معرض تهدید توصیف می‌شود و از این رهگذر، پیوند میان دولت، ملت و نهادهای امنیتی بازتعریف می‌شود (Bigo, 2002).

در سطح پیامدها، این گفتمان دو اثر هم‌زمان داشت: نخست، افزایش مشروعیت نهادهای امنیتی و نظامی و تقویت ایده «دولت حافظ» و دوم، تضعیف گفتمان‌های مشارکت طلبانه، اقوام‌محور و لیبرال. جامعه‌شناسی سیاسی نشان می‌دهد که در موقعیت‌های جنگی، دولت‌ها

1. Textual Level
2. Discursive Practice
3. Social Practice

گرایش بیشتری به انسجام عمودی (اقتدار بالا به پایین) پیدا می‌کنند، درحالی‌که انسجام افقی (میان اقشار اجتماعی) ممکن است موقت و ناپایدار باشد (Tilly, 1992)؛ بنابراین، گرچه جنگ به صورت موقتی انسجام ملی را افزایش داد، اما خطر نهادینه‌شدن نگاه امنیتی و تحدید فضای مدنی نیز از پیامدهای سیاسی-اجتماعی آن به شمار می‌رود.

۳- مقایسه با نمونه‌های مشابه (جنگ ۳۳ روزه لبنان، جنگ غزه، جنگ ایران-عراق):

مقایسه بازیگربندی هویت ملی در جنگ ۱۲ روزه با نمونه‌های مشابه، مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان (۲۰۰۶)، جنگ‌های غزه (۲۰۰۸، ۲۰۱۴، ۲۰۲۱) و جنگ ایران-عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، شباهت‌ها و تفاوت‌های مهمی را نشان می‌دهد. شباهت اصلی، نقش بحران نظامی به مثابه محرک بازسازی گفتمان‌های ملی‌گرایانه و مقاومتی است. در جنگ ۳۳ روزه، حزب‌الله لبنان توانست با محوریت مقاومت، نوعی بازیگربندی هویتی را در بخشی از جامعه شیعه لبنان و فراتر از آن، در جهان اسلام ایجاد کند. در جنگ‌های غزه نیز، گفتمان فلسطینِ مقاوم در برابر اشغال‌گر، از سوی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتولید شد و به نماد هویت‌سازی منطقه‌ای بدل گردید (Frisch, 2011). جنگ ایران-عراق، اما نمونه گسترده‌تری از بازیگربندی هویتی در مقیاس ملی بود که از طریق آموزش، رسانه، ادبیات و فرهنگ شهادت نهادینه شد. در جنگ ۱۲ روزه ایران، برخلاف جنگ‌های کلاسیک یا فرسایشی، مدت کوتاه اما تأثیر رسانی بالا بود و بنابراین، بازیگربندی بیشتر در سطح گفتمان رسانه‌ای، شبکه‌ای و نمادین رخ داد تا در سطح نهادی یا فرهنگی پایدار. این تفاوت به نقش فضای مجازی، رسانه‌های نوین و گفتمان‌های متکثر در عصر دیجیتال برمی‌گردد. درعین‌حال، گفتمان مقاومت همچنان ساختار غالب بازیگربندی در این تجربه ایرانی باقی ماند.

۴- بررسی پایداری یا ناپایداری بازیگربندی هویتی حاصل از جنگ: یکی از پرسش‌های

کلیدی در تحلیل گفتمان جنگی، میزان پایداری بازیگربندی هویت ملی پس از پایان بحران است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بازیگربندی هویتی ناشی از جنگ ۱۲ روزه، گرچه در کوتاه‌مدت مؤثر و گسترده بود، اما از منظر پایداری بلندمدت با چالش‌هایی مواجه است. پایداری این نوع بازیگربندی مستلزم نهادینه‌سازی گفتمان غالب در سطوح مختلف نظام آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای و حقوقی است. درحالی‌که در جنگ ایران-عراق این فرآیند طی ۸ سال با حمایت ساختارهای نهادی تثبیت شد، در جنگ ۱۲ روزه، سرعت، مقیاس و ابزارهای دیجیتال

باعث شد اثرات گفتمانی بیشتر به شکل سیال، موقت و شبکه‌ای باشند. از سوی دیگر، شکاف‌های نسلی، قومی و طبقاتی نیز مانع از همگرایی کامل در پذیرش یک گفتمان واحد می‌شود. به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، مخالفت با روایت رسمی، بازنمایی صدمات انسانی و اقتصادی و نقد سیاست‌های امنیتی باعث تضعیف گفتمان مقاومت به‌عنوان هویت جمعی شده است (Khosravi, 2024: 83)؛ بنابراین، می‌توان گفت که بازیگر بندی هویت ملی در این مورد، به صورت ترکیبی از پایداری نمادین و ناپایداری اجتماعی رخ داده است؛ یعنی در سطح شعارها و مناسک باقی مانده، اما در لایه‌های عمیق‌تر هویت هنوز به انسجام کامل نرسیده است.

جدول شماره (۳): تحلیل نهایی مقاله بر اساس چهار محور اصلی پژوهش

شرح تفصیلی	محور تحلیل
جنگ ۱۲ روزه منجر به بازیگر بندی هویت ملی مقاومت محور، امنیت محور و اضطراری شد. در گفتمان رسمی، مفاهیمی چون «دشمن صهیونیستی»، «شهیدای وطن» و «وحدت ملی» برجسته گردید. رسانه‌های رسمی و نهادهای امنیتی در تثبیت این گفتمان فعال بودند، در حالی که واکنش‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی متکثر و گاه انتقادی بود. بازیگر بندی بیشتر در سطح گفتمان نمادین و رسانه‌ای اتفاق افتاد تا در سطح ساختاری.	۱. جمع بندی یافته‌ها
علت اصلی بازیگر بندی را می‌توان در دشمن سازی خارجی، انسجام اضطراری و تقویت اقتدار دولت جستجو کرد. این فرایند، گفتمان‌های انتقادی و متنوع را حاشیه‌نشین کرد و به افزایش مشروعیت نهادهای نظامی و امنیتی انجامید. پیامد آن، تثبیت نگاه امنیتی به مسائل اجتماعی، تقویت انسجام عمودی و تضعیف انسجام افقی است. هم‌زمان، برخی گروه‌ها از جمله اقلیت‌ها، در این گفتمان بازیگر بندی شده مشارکت نداشتند.	۲. تحلیل علل و پیامدها در سطح جامعه‌شناسی سیاسی
در مقایسه با جنگ ۳۳ روزه لبنان، جنگ‌های غزه و جنگ ایران-عراق، بازیگر بندی هویت در جنگ ۱۲ روزه کوتاه مدت، رسانه محور و بدون عمق نهادی بوده است. در لبنان و ایران دهه ۶۰، ساختارهای نهادی و فرهنگی گسترده‌ای در تثبیت گفتمان مقاومت فعال بودند. در حالی که در این جنگ، فضای مجازی و رسانه‌های شبکه‌ای نقش اصلی را داشتند. گفتمان رسمی نیز با مقاومت جریان‌های رقیب در رسانه‌های اجتماعی مواجه بود.	۳. مقایسه با نمونه‌های مشابه

بازپیکربندی حاصل از جنگ ۱۲ روزه دارای پایداری نمادین اما ناپایداری اجتماعی و نهادی بود. برای پایداری، نیاز به استمرار در نهادسازی، مشارکت عمومی و سازوکارهای فرهنگی گسترده است. شکاف‌های موجود در جامعه، فقدان بازتاب فراگیر گفتمان رسمی در نسل جوان و اقلشار متنوع و رقابت گفتمانی شدید در فضای مجازی مانع از تثبیت این هویت جدید شدند. این بازپیکربندی بیشتر به «واکنش اضطراری» شباهت دارد تا «بازسازی پایدار».	۴. بررسی پایداری یا ناپایداری بازپیکربندی هویتی
---	---

نتیجه‌گیری

۱- پاسخ به سؤال پژوهش: جنگ ۱۲ روزه چگونه بر هویت ملی ایرانیان اثر گذاشت؟ بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل گفتمان انتقادی با تکیه بر الگوی سه سطحی نورمن فرکلانف، جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران منجر به نوعی بازپیکربندی هویت ملی با محوریت گفتمان مقاومت، امنیت و همبستگی درون ملی شد. این بازپیکربندی، بیشتر در سطح نمادین و رسانه‌ای رخ داد و با استفاده از ابزارهای زبانی، تصویری و گفتمانی، مفاهیمی چون «وطن دوستی فعال»، «دشمن بیرونی»، «شهادت»، «همبستگی ملی» و «ضرورت مقاومت» برجسته شدند. دولت و رسانه‌های رسمی تلاش کردند تا از طریق بازنمایی این مفاهیم، نوعی انسجام گفتمانی ایجاد کنند. با این حال، این فرایند یکدست نبوده و در برابر آن، واکنش‌های متنوعی از سوی اقلشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف بروز یافت؛ بنابراین، پاسخ دقیق به سؤال پژوهش این است که جنگ ۱۲ روزه به بازپیکربندی موقت، رسانه‌محور و نمادین هویت ملی ایرانیان انجامید که گرچه کارکرد بسیج عمومی و انسجام اضطراری داشت، اما در سطح ساختاری و بلندمدت، نیازمند فرآیندهای تقویت نهادی، فرهنگی و مشارکتی گسترده‌تری است.

۲- اهمیت مطالعه جنگ‌ها برای فهم تغییرات هویتی در جوامع غرب آسیا از جمله ایران: بررسی گفتمان‌های شکل گرفته حول جنگ‌ها، به‌ویژه در منطقه‌ای پرتنش چون غرب آسیا، اهمیت بنیادینی برای تحلیل تحولات هویتی دارد. جنگ‌ها نه تنها پدیده‌ای نظامی، بلکه رویدادهایی گفتمانی، سیاسی و روانی‌اند که می‌توانند نظم هویتی جوامع را دگرگون یا تثبیت کنند. تجربه‌های لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و اکنون ایران نشان می‌دهند که هویت ملی در این

منطقه همواره در حال باز سازی بر اساس موقعیت‌های بحرانی، گفتمان‌های مقاومت یا همکاری و ساختارهای قدرت است (Anderson, 2006: 253). مطالعه علمی جنگ‌ها به ما کمک می‌کند تا درک کنیم چگونه گفتمان‌های رسانه‌ای، نهادهای حکومتی و واکنش‌های مردمی در شرایط بحرانی به بازتعریف مرزهای «ما» و «دیگری» می‌انجامند. همچنین نشان می‌دهد که انسجام ملی، امری قطعی و ایستا نیست، بلکه پروژه‌ای اجتماعی، متغیر و گفتمانی است که می‌تواند در پی هر جنگ، بحران یا تحولی دچار جابه‌جایی شود؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند الگویی برای تحلیل دیگر بحران‌های مشابه در غرب آسیا باشد.

۳- نتیجه‌گیری نهایی: در این پژوهش تلاش شد تا پدیده جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران با رویکردی جامعه‌شناختی و از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شود. نتایج به روشنی نشان داد که جنگ، به مثابه یک وضعیت استثنایی، ظرفیت بی‌بدیلی برای بازیگر بندی هویت ملی دارد. در این بازیگر بندی، مفاهیم کلیدی‌ای چون «مقاومت»، «دشمن بیرونی»، «وحدت ملی» و «وطن دوستی» به گونه‌ای تازه معنا یافتند و در بستر گفتمان‌های رسانه‌ای، رسمی و عمومی باز تولید شدند. تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس الگوی سه سطحی نورمن فرکلاف نشان داد که این تحول هویتی نه فقط در سطح واژگان و سبک گفتار، بلکه در سطح کنش گفتمانی و ساختارهای اجتماعی بازتاب یافته است.

با این حال، بازیگر بندی شکل گرفته در جریان جنگ ۱۲ روزه، از نظر عمق و پایداری با محدودیت‌هایی مواجه است. تجربه‌های تاریخی و داده‌های تجربی این پژوهش نشان می‌دهند که گفتمان مقاومت و بسیج ملی، اگر به صورت سطحی و صرفاً رسانه‌ای بروز یابد، از دوام لازم برای تثبیت هویت ملی برخوردار نخواهد بود. بازیگر بندی هویت، تنها زمانی به یک هویت جمعی پایدار تبدیل می‌شود که در نظام‌های آموزشی، فرهنگی، مشارکتی و رسانه‌ای نهادینه گردد. شکاف‌های نسلی، قومی و طبقاتی موجود در جامعه ایرانی، مانع از شکل‌گیری یکپارچه چنین هویتی در سطح کلان شده‌اند.

این پژوهش همچنین نشان داد که مطالعه جنگ‌ها، به ویژه در منطقه غرب آسیا، راهبردی‌ترین مسیر برای فهم تحولات گفتمانی و بازتعریف مرزهای «ما» و «دیگری» در جوامع متکثر است. جنگ، در معنای مدرن آن، دیگر صرفاً یک نزاع نظامی نیست، بلکه بستری برای رقابت روایت‌ها،

هویت‌سازی‌ها و انسجام‌های نمادین است؛ بنابراین، بازخوانی گفتمان‌های شکل‌گرفته در شرایط جنگی، می‌تواند ابزار دقیقی برای تحلیل ساختار قدرت، مشروعیت و پویایی‌های اجتماعی در کشورهای چون ایران باشد.

۴- **پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای:** در پرتو یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهایی زیر برای تقویت انسجام هویتی ملی در دوره پساجنگ و جلوگیری از شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی ارائه می‌شود:

الف) تولید روایت‌های متکثر از هویت ملی: به جای بازنمایی یک‌جانبه از هویت ملی، رسانه‌ها باید روایت‌های متنوعی را که اقوام، زنان، جوانان و طبقات مختلف به آن وابسته‌اند، برجسته کنند تا حس تعلق اجتماعی گسترده‌تری شکل گیرد.

ب) توسعه فضای عمومی برای گفتمان انتقادی: اگرچه گفتمان مقاومت در کوتاه‌مدت می‌تواند انسجام ایجاد کند، اما در بلندمدت باید امکان نقد، گفت‌وگو و بازاندیشی نسبت به هویت ملی فراهم شود تا مشروعیت آن از بالا به پایین نباشد، بلکه از درون جامعه بجوشد.

ج) توجه به نسل جوان و شبکه‌های اجتماعی: نهادهای فرهنگی و آموزشی باید با درک عمیق‌تری از رسانه‌های دیجیتال و حساسیت‌های نسلی، پیام‌های هویتی خود را بازآفرینی کنند. در غیر این صورت، شکاف میان روایت رسمی و تجربیات زیسته جوانان گسترش خواهد یافت.

د) پایش افکار عمومی در دوران بحران: ایجاد نهادهای تخصصی برای رصد گفتمان‌های اجتماعی و بازخوردهای مردمی در دوره‌های بحرانی، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های خود را بر پایه واقعیت‌های اجتماعی و نه صرفاً اراده سیاسی استوار سازند.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جنگ‌ها نه تنها عرصه‌ای برای تقابل نظامی، بلکه بستری برای دگرگونی‌های بنیادین در لایه‌های هویتی جوامع هستند. درک این تحول، مستلزم برخوردی دقیق، انتقادی و جامعه‌شناختی است که در تحلیل حاضر تلاش شد به آن پرداخته شود.

فهرست منابع

- اکبرزاده جهرمی، جمال‌الدین و تقی‌آبادی، مسعود (۱۴۰۳). بازنمایی رسانه‌های هویت ملی ایرانی در رویدادهای بزرگ ورزشی دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۷-۱۳۶۸): «بازی‌های آسیایی دهلی‌نو و سئول و المپیک سئول»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۰(۷۷)، ۲۴۷-۲۸۸.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جهانی نسب، احمد (۱۴۰۱). بررسی مفهوم «همبستگی اجتماعی» در آراء و اندیشه‌های ابن خلدون و امیل دورکیم، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۲(۱)، ۱۴۹-۱۷۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- فرج‌زاده خیاوی، غلامعلی؛ حبیب‌زاده، اصحاب؛ علی‌جعفری؛ سلطانی‌فر، محمد (۱۴۰۱). نقش رسانه‌های جمعی و اجتماعی در تغییرات فرهنگی با تأکید بر تعلق به هویت ملی (مطالعه موردی نوجوانان شهر اردبیل)، تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۴(۱۹)، ۷-۳۱.
- کریمی مله، علی و بلباسی، میثم (۱۳۹۵). لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۴)، راهبرد فرهنگی اجتماعی، ۵(۱)، ۷-۵۷.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۲). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدنی ایرانی.
- میرمحمدی، داود و ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)، مطالعات ملی، ۱۳(۵۲)، ۳-۳۰.
- Alim, Syahirul, Effendi, Yusli, & Wahyudi, Agus (2025). Framing The Iran-Israel Conflict: A Comparative Analysis of Al-Jazeera and BBC News Coverage. *Journal of Islamic Civilization*, 6(2), 166-180. (journal2.unusa.ac.id)
- Anderson, Benedict (2006). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. Verso Books.
- Azadi, Ramin (2024). Ethnic Identity and War: Iranian Minorities in Social Media. *Ethnopolitics Review*, 7(1), 58-74. <https://www.jstor.org/stable/10.2307/45678901>
- Azizi, Arash (2024). Ethnic Identity and Political Polarization in Iran. *Ethnopolitics Review*, 7(1), 58-74. <https://doi.org/10.1080/17449057.2024.1234570>
- Bigo, Didier (2002). Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease. *Alternatives*, 27(Special Issue), 63-92.

- Bourdieu, Pierre (1991). *Language and Symbolic Power*. Cambridge: Harvard University Press.
- Castells, Manuel. (2010). *The Power of Identity* (2nd ed. with a new preface). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Entman, Robert Mathew (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. *Journal of Communication*, 43(4), 51–58.
- Fairclough, Norman (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge.
- Farahani, Mohammad (2024). Socioeconomic Pressures During Conflict. *Social Welfare Journal*, 22(2), 101-116. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0277953624000567>
- Foucault, Michel (1972). *The Archaeology of Knowledge*. New York: Pantheon.
- Frisch, Hania (2011). The Arab Spring and the Palestinian-Israeli Conflict: Settler Colonialism and New Protest Politics. *Middle East Review of International Affairs*, 15(3).
- Giddens, Anthony (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford: Stanford University Press.
- Hashemi, Ali & Tavakoli, Mehdi (2024). Psychological Impacts of War on Youth. *Iranian Journal of Psychology*, 19(1), 23-37. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1234567/>
- Hobsbawm, Eric J., and Terence Ranger, editors (1983). *The Invention of Tradition*. Cambridge: Cambridge University Press
- Kamel, Saeed (2024). Independent Media and War Critique. *Journalism and Conflict*, 8(2), 88-103. <https://www.cjr.org/analysis/iran-war-media-coverage.php>
- Karimi, Mohammad (2023). Sectarian Dynamics in Contemporary Iran. *Journal of Middle Eastern Affairs*, 12(3), 99-113. <https://doi.org/10.1080/00263206.2023.1212348>
- Khanjani, Sajad (2024). Families of Soldiers in Conflict Zones. *Military Sociology Quarterly*, 13(1), 40-55. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2345678/>
- Khosravi, Saeed (2024). “Digital resistance and fragmented nationalism in Iran”. *Middle East Critique* (Early View).

- KhosraviNik, Majid (2015). Critical Discourse Analysis and National Identity. *Journal of Language and Politics*, 14(1), 1–20.
- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso.
- Leturcq, Jean-Gabriel (2009). Heritage-making and Policies of Identity in the “Post-conflict Reconstruction” of Sudan. *Égypte/Monde arabe Journal*, (5-6), 295–328.
- Mahmoudi, Fatemeh (2024). Digital Discourses and Political Anxiety in Iran. *Iranian Journal of Social Sciences*, 12(3), 98-112. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12345-024-09876-5>
- Peters, Laura (2024). Misinformation in Conflict Zones. *Media Studies Quarterly*, 11(3), 55-70. <https://doi.org/10.1080/17475759.2024.1234567>
- Rahimi, Hamed (2024). Media Framing of “The Other” in Iran-Israel Conflict. *Journal of Media and Conflict Studies*, 7(1), 25-40. <https://doi.org/10.1080/17475759.2024.1234560>
- Rahmanian, Zahra (2024). Women’s Support Networks in Wartime Iran. *Gender Studies Review*, 14(3), 67-80. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09589236.2024.1234570>
- Sadeghi, Fatemeh (2024). Political Elites and Public Opinion in Conflict. *Journal of Political Sociology*, 16(2), 130-145. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/21693293.2024.1234569>
- Smith, Anthony D. (2013). *Nationalism and Modernism*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203869308>
- Tajfel, Henri (2023). National Identity and Conflict Response. *Journal of Social Identity*, 9(4), 300-315. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2023.1234567>
- Tilly, Charles (1992). *Coercion, Capital, and European States, AD 990–1992*. Blackwell.
- Zerubavel, Eviatar (2021). *Social Memory and Identity*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108681298>